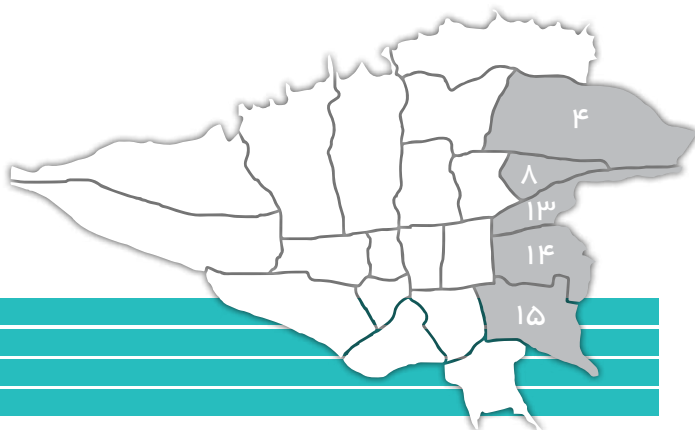


ماجرای کلنگ‌زنی و طومار

چند روز پیش مراسم کلنگ‌زنی نخستین گرمخانه فر منطقه‌ای تهران با حضور تعدادی از مدیران شهری و اعضای شورای شهر... صفحه ۶



سه شنبه
۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰
سال هفدهم / شماره ۸۰۲
صفحه ۱۶



استقبال سالمندان از طرحی که با همکاری شهرداری منطقه ۱۳ و مرکز بهداشت شرق اجرا شده است

نخستین مرکز واکسیناسیون خودرویی کرونا اینجاست

صفحه ۷

نسترن و الهه میرزاخانی، ورزشکاران ساکن محله مسعودیه مقام‌های قهرمانی متعددی دارند

خواهران همه فن حریف

در مناطق جنوبی شهر تهران استعداد های ورزشی بسیاری وجود دارند که رسیدن به مقام قهرمانی در رشته مورد علاقه آنها رویای کودکی شان بوده... صفحه ۱۱

جست‌وجو در پیشینه یکی از محله‌های قدیمی شرق پایتخت

آب قنات چرخ آسیاب کاظم آبادرامی چرخاند

کاظم آباد محله‌ای در شمال شرق تهران و در همسایگی محله‌های مهران، مبارک آباد و مجیدیه است. این محله که از شمال و جنوب با بزرگراه‌های شهید زین‌الدین و رسالت... صفحه ۱۲

۱۸۱۹

جهت کسب اطلاعات بیشتر و سفارش آگهی با نزدیکترین دفتر قبول آگهی تماس بگیرید

شرح در صفحه ۱۵

با تبلیغات در **هلمشهری** درست به هدف بزنید

کشاورزی در شرق تهران با تغییر کاربری باغ‌ها رو به نابودی می‌رود

باغ‌های سرخه حصار آتلیه عروسی و داماد شده

بسیاری از عروس و دامادها با حذف مراسم به تهیه عکس عروسی در باغ تالارها بسنده می‌کنند

مژگان مهرابی نگار

افزایش روزافزون امکانات رفاهی در شهر، اتفاقی است نیک که در چند سال اخیر شاهد آن بوده‌ایم. مصداق بارز این ادعا، ایجاد بزرگراه‌های تو در تو، توسعه شبکه حمل‌ونقل عمومی با ساخت مجتمع‌های بزرگ مسکونی و تجاری و... است که این روزها توانسته شرایط نسبتاً مطلوبی را برای سکونت در تهران ایجاد کند. اما نکته مهمی که باید متذکر شد، این است که اقدامات صورت گرفته خیلی هم بدون حاشیه نبوده و گاهی در سرباهی را به همراه داشته است. کم‌رنج شدن هویت تاریخی برخی از محله‌های قدیمی، یا از بین رفتن زمین‌های کشاورزی و اراضی بی‌دفاع شهری اطراف پایتخت نمونه‌هایی است که می‌توان به آنها اشاره کرد. گزارش این هفته ما هم بی‌ارتباط به موضوع ذکر شده نیست و در واقع بررسی موقعیت فعلی باغ‌های روستاهای سرخه حصار است که در عوض تولید میوه و صیفی‌جات و رونق کشاورزی، جای خود را به تالارهای عروسی و آتلیه داده‌اند. رخدادی که صنعت کشاورزی در روستاهای اطراف پایتخت را تحت شعاع قرار داده و باعث بیکار شدن بسیاری از روستایی‌ها شده است. همراه با چند تن از معتمدان روستا گشتی در این باغ‌ها زده و پای صحبت اهالی نشستیم.

حاشیه بزرگراه یاسینی، درست در محدوده بیمارستان شهید لاسانی، بافت مسکونی متراکم و نازیبایی به چشم می‌خورد. خانه‌هایی که بی‌نظمی ناشی از معماری غیراصولی‌شان توی ذوق می‌زند. بیشتر به بیغوله می‌مانند. بخواهیم بیشتر توضیح دهیم، اینجا حریم روستای سرخه حصار است. روستایی ۲۰۰ ساله و به یادگار مانده از دوران قاجار. هرچه هست آلودگی بصری‌شان توی ذوق کسانی می‌زند که قصد تردد به شهرهای حاشیه شرق تهران را دارند. برای رفتن به روستا باید از خیابانی که چند قدم پایین‌تر از بیمارستان قرار دارد وارد شد. یک خیابان طولی که انتهای آن را به رحمت می‌توان دید. این خیابان با چند کوچای که به آن منتهی می‌شوند تنها معابر این روستا

هستند. «محمود معنوی» معتمد روستا می‌گوید: «اینجا تا یکی، ۲ سال پیش عنوان محله داشت اما مسئولان شهری گفتند به دلیل واقع شدن روستا در محدوده حریم منطقه ۱۳ از فرم محله بودن خارج شده و قرار است زیر نظر دهیاری برود.» خانه‌های روستا بیشتر ریزدانه هستند و البته در بین‌شان یکی ۲ ساختمان دیده می‌شود که قدمت آنها به دوران قاجار برمی‌گردد. نمای کاهگلی با سقف شیروانی که البته خالی از سکنه هم نیستند. در حدود ۱۸۰ خانوار و ۶۰۰ نفر در اینجا زندگی می‌کنند. اغلب‌شان کارگرند و برای کسب درآمد باید به جاهای دور و نزدیک تهران بروند.

ماشین‌های میلیاردی جلو خانه‌های کلتی

در حین گشت‌زنی، آنچه جلب توجه می‌کند،

وجود ماشین‌های آخرین

مدل آن هم با قیمت میلیاردی است که جلو این خانه‌ها پارک شده‌اند. دیدن آنها سؤال برانگیز است. معنوی در این‌باره می‌گوید: «این ماشین‌ها برای افراد متمولی است که اینجا باغ دارند. البته کشاورزی نمی‌کنند. باغ خود را به تالار یا آتلیه

تبدیل کرده‌اند. خیلی از ماشین‌ها هم مربوط به عروس و دامادها می‌شود. از ابتدا تا انتهای خیابان بروی از این ماشین‌های میلیاردی زیاد است.» اما پیشینه باغ‌ها و سکونت روستا که خود داستان جالبی دارد. «مسعود حاجی میری» صاحب تنها سوپرمارکت روستا تعریف می‌کند: «زندگی در روستا یعنی کشاورزی و دامداری. تا ۴-۳ دهه پیش اگر به اینجا می‌آمدید همه باغ بود. مالکان باغ‌ها هم تعدادی کارگر داشتند که هم در این باغ‌ها زندگی می‌کردند و هم از بیاغ مراقبت

پدرم در این باغ کار می‌کرد

اما سرنوشت نامعلوم باغ‌ها که چرا به این روز افتاده‌اند؟ «حسین ملکی» یکی از اهالی قدیمی سرخه حصار است و به گفته خودش از سال ۴۹ در اینجا سکونت دارد. باغی را که نمای سنگ دارد نشان می‌دهد و می‌گوید: «آن باغ را می‌بینید، ۴۰ سال در آنجا باغداری کردم. درخت‌ها را هرس کردم. میوه چیدم. پدرم هم در این باغ جوانی‌اش را سپری کرد. دست آخر صاحب باغ پولی به ما داد و گفت که می‌خواهد اینجا را بفروشد. به کس دیگری فروخت. مالک جدید هم دستی به سر و روی باغ کشید و به تالار تبدیلش کرد.» در این حین، اسماعیل و کیلی یکی دیگر از معتمدان روستا از راه می‌رسند. او هم گفته‌های ملکی را تایید کرده و ادامه می‌دهد: «روستا پر از باغ‌های بزرگ و کوچک بوده و قبل‌تر کشاورزی می‌کردند. با بی‌روفتی کشاورزی صاحبان باغ‌ها باغ خود را واگذار کردند یا اینکه باغ را به قسمت‌های کوچک‌تر تبدیل کرده و به کارگران خود دادند. مردم هم درخت‌ها را بریده جایش خانه ساختند.»



درآمد نجومی با عکاسی از جشن عروسی

«مرتضی کمیجانی» یکی از اهالی روستا، نظر دیگری دارد و معتقد است، خانه‌های اینجا اغلب بدون سند هستند. او می‌گوید: «خانه‌های اینجا قولنامه‌ای معامله شده‌اند. حتی باغ‌ها هم با قولنامه‌های جعلی اجاره یا فروش رفته‌اند.» اصلاً صاحبان اصلی باغ‌ها کجا هستند و چرا کشاورزی را تعطیل کرده‌اند را کسی خبر ندارد یا حداقل دوست ندارد جواب واضح و روشنی بدهد. گرداننده‌های آتلیه‌ها هم تمایلی به پاسخگویی ندارند انگار از چیزی هراس داشته باشند. برخورد تند می‌کنند. کمیجانی برای گفت‌وگو با یکی از باغدارها همراهی کرده و «حمید اصفهانی» را معرفی می‌کند. اصفهانی شهروندی است که بر خلاف دیگر باغدارها مودبانه پاسخ می‌دهد: «۳۰ سال می‌شود باغ را برای تفریح خانواده خریداری کرده‌ام. آن موقع اینجا قیمتی نداشت. چند سالی هم ثمر داد و من هم استفاده کردم. اما باغ نیاز به رسیدگی داشت. درختان میوه باید به موقع آبیاری می‌شدند. آب کافی نبود. محصول زیادی هم به دست نمی‌آمد. در واقع خرج بیشتر از دخلم می‌شد. باید حقوق کارگر می‌دادم تا از باغ مراقبت کند. او هم دل نمی‌سوزاند. این شد که درخت‌های میوه یکی یکی خشک شدند. می‌خواستم بفروشم که یکی از دوستان پیشنهاد داد اینجا را تبدیل به آتلیه کنم. من هم استقبال کردم. وام گرفتم و دستی به سرو روی باغ کشیدم. در اینجا در کمترین حالت روزی ۳ تا ۴ عروس و داماد می‌آیند. به غیر از آن جشن تولد و سالگرد ازدواج هم برگزار می‌شود. در آمد خوبی از این کار عایدم می‌شود. باقی باغ دارها هم مثل من. شما باشید کشاورزی می‌کنید؟» هزینه عکاسی و فیلمبرداری در آتلیه باغ‌ها بین ۷ تا ۱۲ میلیون متغیر است. اینکه روزانه چه درآمدی از آن صاحبان باغ‌ها می‌شود را می‌توانید محاسبه کنید.

یک نکته قابل توجه

در ۱۳-۱۴ ماهی که کرونا اپیدمی شده و وجودش مانع برقراری جشن‌های عروسی شده بسیاری از زوج‌ها با حذف جشن عروسی رو به عکاسی در آتلیه‌ها آورده‌اند تا خاطرات خوشی از خود به جا بگذارند. اما باید توجه داشت بسیاری از این آتلیه‌ها غیرمجاز بوده و مجوز ندارند.



یک نکته قابل توجه

در ۱۳-۱۴ ماهی که کرونا اپیدمی شده و وجودش مانع برقراری جشن‌های عروسی شده بسیاری از زوج‌ها با حذف جشن عروسی رو به عکاسی در آتلیه‌ها آورده‌اند تا خاطرات خوشی از خود به جا بگذارند. اما باید توجه داشت بسیاری از این آتلیه‌ها غیرمجاز بوده و مجوز ندارند.



آتلیه‌های پنهانی

به پایان گشت‌وگذار در روستا می‌رسیم. جلو یکی از باغ‌ها بلوک سیمانی گذاشته شده که از قرار معلوم به دلیل تخلف، شهرداری مانع از کسب‌وکار آن شده است. جلو ورودی یک پرده گونی مانند آویزان است و اگر از خود اهالی اشاره نکنند، نمی‌توان تشخیص داد داخلش چه دکور زیبایی تعبیه شده است. به گفته کیلی، معتمد روستا، خیلی از آتلیه باغ‌ها مجوز ندارند و برای فرار از مالیات یا اصولی نبودن کارشان به‌صورت پنهانی فعالیت می‌کنند. او متذکر می‌شود: «آتلیه‌ها تهدید جدی برای کشاورزی به شمار می‌آیند. فضاهایی که می‌توانسته پرورش گل و گیاه یا میوه باشد و به اقتصاد شهر کمک کند فقط سودش به جیب چند سرمایه‌دار می‌رود. در عوض سکنه باید برای کار به نقاط دور و نزدیک تهران بروند.»

یکی از دوستانم متوجه شدم در اینجا چند آتلیه باغ است. آمده‌ایم قیمت بگیریم. در شرایط کرونا که نمی‌شود جشن عروسی برگزار کرد حداقل عکس‌های یادگاری داشته باشیم. اگر قیمتش زیاد بود به آتلیه‌های دیگر مراجعه می‌کنیم.»

علاوه بر تالار آتلیه هم فراهم کرده تا مشکل زمان را برای عروس و داماد برطرف کرده باشد. اینکه صاحب باغ کیست و از کی تبدیل به تالار شده و چرا را از روابط عمومی آنجا سؤال می‌کنم، تند می‌شود که چرا باید به این سؤال‌ها پاسخ بدهم؟ بعد هم با تشریوی عذر می‌خواهد. بیرون از باغ زوج جوانی را می‌بینم که قصد ورود به آتلیه و تعیین وقت عکاسی را دارند. اینکه چطور اینجا را انتخاب کرده‌اند را جویا می‌شوم. داماد می‌گوید: «از طریق

رئیس مرکز خدمات اجتماعی
شهرداری منطقه ۴:

برای کاهش دغدغه اهالی تمهیداتی در نظر می‌گیریم

گلایه اهالی حکیمیه نسبت به ساخت گرمخانه در محله‌شان را با «مجید سمنانی» رئیس مرکز خدمات اجتماعی شهرداری منطقه ۴ در میان گذاشتیم. سمنانی با بیان اینکه ساخت گرمخانه‌های فرامنطقه‌ای در تهران تصمیم مدیریت شهری است و از اختیارات منطقه خارج است، می‌گوید: «طبق مصوبه شورای شهر باید ۵ گرمخانه در پهنه‌های غرب، شرق و جنوب تهران

ساخته شود و منطقه ۴ به‌عنوان بزرگ‌ترین منطقه پهنه شرق مکلف شد این زمین را تأمین کند.» او می‌افزاید: «مددسراها و گرمخانه‌ها باید در محله‌های حاشیه و حریم شهر و بزرگراه‌ها ایجاد شود و نمی‌توان این مراکز را در وسط محله ساخت، از این‌رو طبق بررسی‌هایی که در حوزه املاک داشتیم زمینی را در حاشیه منطقه انتخاب کردیم که حداکثر فاصله را با بافت مسکونی

داشته باشد.» رئیس مرکز خدمات اجتماعی منطقه درباره نگرانی اهالی حکیمیه از پیامدهای حضور و تردد معتادان در محله می‌گوید: «ترس و نگرانی اهالی بیشتر به دلیل تبلیغات منفی است که درباره این موضوع انجام شده و شهرداری با همکاری نیروی انتظامی تمهیداتی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از جانمایی گرمخانه انجام می‌شود.»

احداث گرمخانه فرامنطقه‌ای که می‌تواند مشکلات بسیاری را در شهر تهران حل کند مورد انتقاد برخی اهالی قرار گرفته است

ماجرای کلنگ‌زنی و طومار

پریسا نوری

چند روز پیش مراسم کلنگ‌زنی نخستین گرمخانه فرامنطقه‌ای تهران با حضور تعدادی از مدیران شهری و اعضای شورای شهر در محله حکیمیه برگزار و قرار شد این گرمخانه تا زمستان امسال به بهره‌برداری برسد. این اقدام اعتراض اهالی حکیمیه را به دنبال داشت و آنها با تهیه طوماری به ۶ هزار امضا مخالفت خود را با ساخت گرمخانه اعلام کردند و از مدیریت شهری خواستار توقف این پروژه شدند. امضاکنندگان این طومار معتقدند گرمخانه‌ای که قرار است در حکیمیه ساخته شود، سیل مشکلات و آسیب‌های اجتماعی را روانه محله می‌کند و امنیت و آرامش را از ساکنان می‌گیرد. در این‌باره با چند نفر از اهالی و شورایاران و فعالان اجتماعی محله و «مجید سمنانی» رئیس مرکز خدمات اجتماعی منطقه گفت‌وگو کردیم.



به جای گرمخانه مرکز تفریحی بسازید

به فاصله چند روز از برگزاری مراسم کلنگ‌زنی، طومار اعتراضی نسبت به این اقدام مقابل سرای محله نصب شد. «مجید خلیلی» از ساکنان محله که برای امضای طومار به سرای محله آمده است، می‌گوید: «محله ما از نظر وسعت و جمعیت رو به رشد است و به تناسب افزایش جمعیت به فضاهای تفریحی، ورزشی و فرهنگی نیاز دارد؛ اما متأسفانه مدیران شهری نسبت به این محله و شرق پایتخت کم لطفی می‌کنند، به‌طوری که مراکز تفریحی لوکس را در غرب می‌سازند و مراکز خدماتی دردسرها مثل دادسرا، تعمیرگاه اتوبوس‌های شرکت واحد و مددسرا را به محله‌های شرقی می‌آورند.» این شهروند در ادامه می‌افزاید: «درست است که در حکیمیه زمین بایر داریم، اما از مدیران شهری انتظار داریم در این زمین‌ها به جای مددسرا، مراکز تفریحی و فرهنگی بسازند.» «هریم ساجی» بانوی میانسال ساکن حکیمیه هم که مادر ۲ پسر نوجوان است، از دیدگاه خود با ساخت گرمخانه در محله مخالف است. او می‌گوید: «اگر مددسرا در حکیمیه ساخته شود تردد افراد کارتن‌خواب و معتاد به اینجا زیاد می‌شود و بچه‌های ما هر روز شاهد رفتارهای نامتعارف این افراد می‌شوند و این موضوع در شکل‌گیری شخصیت و رفتارشان تأثیر منفی می‌گذارد.» او ادامه می‌دهد: «ها در این وضعیت اقتصادی و اجتماعی به سختی بچه‌هايمان را بزرگ کردایم و از آسیب‌ها دور نگه داشتایم و حالا نمی‌توانیم اجازه دهیم با ساخت گرمخانه در محله زحمتان هدر رود.» «رها محمدی» هم که برای امضای طومار و ابراز مخالفت با ساخت مددسرا به جلو سرای محله آمده است می‌گوید: «این طومار جلو سرای محله و داخل محله نصب شده است، اما اگر کیولمترها دورتر و آن سوی شهر بود بنا به وظیفه شهروندی برای امضا می‌رفتم. چون با ساخت مددسرا و انتقال معتادان متجاهر به محله‌مان مخالفیم.»



در ۳ طومار اعتراضی ۶ هزار امضا جمع کردیم

در حال حاضر تنها گرمخانه منطقه ۴ در نزدیکی و همجوار با محله حکیمیه قرار دارد. «سیدمحسن حمزه‌پور» دبیر شورایاری محله از پیامدهای همسایگی با این مرکز می‌گوید: «محله ما از نظر وسعت و جمعیت فرامنطقه‌ای و بزرگ در داخل محله، مدرسرها چند برابر می‌شود. او می‌گوید: «گرمخانه و مددسرای معتادان از سال‌ها پیش در مرز محله حکیمیه قرار دارد و در بافت محله نیست؛ اما با این حال فضای آن دردسرهایی برای محله دارد. به‌عنوان مثال زیر پل زین‌الدین در خیابان احسان باتوق معتادان است و کابل‌های برق بوستان‌های محله و درچه‌های تأسیسات شهری هم از دستبردشان در امان نیست پس خیلی واضح است که با ساخت گرمخانه در محله این مشکلات چند برابر می‌شود.» حمزه‌پور از اقدامات انجام شده برای ابراز مخالفت با ساخت گرمخانه این‌طور می‌گوید: «از روزی که مراسم کلنگ‌زنی برگزار شد، صد‌ها نفر از اهالی با ۱۸۸۸ تماس گرفتند و اعتراضشان را در این سامانه ثبت کردند تا به گوش مدیران شهری برسد. همچنین در عرض چند روز ۶ هزار نفر پای طومار را امضا کردند و ما هم عکس طومارها را به همراه نامه‌ای به رئیس شورای شهر، شهردار تهران، شهردار منطقه و ستاد شورایاری‌ها ارسال کردیم، امیدواریم که این اقدامات نتیجه‌بخش باشد.»



با ساخت گرمخانه موافقیم با جانمایی اش خیر!

«حامد حجازی» عضو شورایاری و فعال اجتماعی ساکن حکیمیه ساخت مددسرا برای حمایت از افراد معتاد و بی‌خانمان را اقدامی شایسته می‌داند اما معتقد است جانمایی آن در محله حکیمیه نادرست است. او از پیامدهای ساخت گرمخانه در محله مسکونی این‌طور می‌گوید: «افزایش سرعت‌های خرد و کلان به‌ویژه سرعت تأسیسات شهری در محله، حضور موادفروشان، کاهش امنیت و افزایش آسیب‌های اجتماعی از جمله پیامدهای ساخت گرمخانه و افزایش تردد معتادان متجاهر و کارتن‌خواب‌ها در محله است.» حجازی که مددکار اجتماعی است، در توضیح بیشتر می‌گوید: «معتادان متجاهر شب‌ها را در گرمخانه می‌گذرانند و صبح باید بیرون بروند، برای همین تا شب در اطراف و سطح محله پرسه می‌زنند تا با جمع‌آوری ضایعات و سرعت‌های ریز و درشت بتوانند موادمخدر تهیه کنند و پای موادفروشان هم به این محله باز می‌شود.» عضو شورایاری محله در ادامه می‌گوید: «ما علاوه بر اعتراض به جانمایی مددسرا در محله‌مان از مسئولان شهری به دلیل پنهان‌کاری هم گلایه داریم؛ چون آنها برای کارهای کوچک و جزئی نظر شورایاری را می‌خواهند، اما برای انجام این کار بزرگ که عواقب سنگینی می‌تواند برای محله داشته باشد نه تنها با شورایاری مشورت نکرده‌اند که کاملاً پنهانی این تصمیم را گرفتند و بدون اطلاع به ما مراسم کلنگ‌زنی برگزار کردند. در صورتی که اگر مشورت می‌کردند ما برای جانمایی گرمخانه پیشنهاداتی داشتیم که مشکلات کمتری به دنبال داشته باشد.»



حامد حجازی
عضو شورایاری
محله حکیمیه

پروانه بهرام‌نژاد

نخستین مرکز واکسیناسیون خودرویی

ویروس منحوس کرونا در پایتخت، هفته

گذشته به میزبانی سیزدهمین تکه شهر

در بوستان جنگلی سرخه‌حصار فعالیتش

را آغاز کرد. این مرکز که با هدف تسهیل

در دسترسی شهروندان و سالمندان به

خدمات واکسیناسیون اجرا شد، آغازگر

طرح نوینی است که با همکاری شهرداری

منطقه ۱۳و مرکز بهداشت شرق به ثمر

رسیده است. این مرکز تا زمان اعلام

نیاز وزارت بهداشت پذیرای مراجعان

خواهد بود.

استقبال سالمندان از طرحی
که با همکاری شهرداری
منطقه ۱۳ و مرکز بهداشت
شرق اجرا شده‌است



عکس‌ها: محمد عباس نژاد



نخستین مرکز واکسیناسیون خودرویی کرونا اینجاست



گذر از ۱۳ ایستگاه

از خودرو پیاده نشوید!



تزریق واکسن در فضای امن

یکی از اهداف مهم از اجرای این طرح ایجاد فضای امن روانی و جسمی برای مراجعان است. دکتر «میرعلی فریدون‌فر» رئیس مرکز بهداشت شرق تهران در این‌باره معتقد است: «هدف ما این است که مردم در فضای امن داخل خودرو واکسینه شوند. اگر این جمعیت به مراکز معمول واکسیناسیون مراجعه می‌کرد چه بسا منجر به توسعه بیماری می‌شد. این مرکز نخستین در تهران است و این طرح ادامه‌دار خواهد بود به‌طوری‌که به‌زودی مرکز واکسیناسیون خودرویی دوم را در استادیوم تختی افتتاح می‌کنیم. اجرای چنین طرح‌هایی را ادامه می‌دهیم تا ازدحام مردم در مراکز کمتر شود و در محیط ایمن‌تری واکسیناسیون شوند. همچنین برای پیشگیری از ازدحام جمعیت، ثبت‌نام در سامانه جامع سلامت کشور را داریم که افراد متناصب با محل سکونت خود براساس نوبت به مراکز ارجاع داده می‌شوند تا شاهد ازدحام نباشیم.» او تأکید می‌کند: «انتخاب این مجموعه برای واکسیناسیون خودرویی، فضای باز بوستان جنگلی سرخه‌حصار و محیط امن خودرو است تا شهروندان بتوانند به راحتی واکسینه شوند.» «شیرین کتانی» ۹۰ ساله یکی از مراجعانی است که از خیابان کوکاکولا به اینجا آمده و می‌گوید: «به کمک برادرزاده‌ام از فعالیت این مرکز اطلاع یافتم و او من را به اینجا آورده تا در ماشین بشنیم و واکسن کرونا بزنم. برای ما دیگر آمپول ترس ندارد اما همین که در ماشین خودمان هستیم خوب است و آرامش دارد.»

در ایستگاه دوم یعنی تزریق واکسن نیازی به پیاده شدن از ماشین نیست و افراد همان‌طور که روی صندلی خودرو خود نشسته‌اند می‌توانند واکسینه شوند. هنگام تزریق واکسن، واکسیناتور توضیحات اولیه و علائم احتمالی را به آنها و همراهانشان توضیح می‌دهد. فرمانده ستاد کرونا تهران در این‌باره می‌گوید: «در مرکز واکسیناسیون خودرویی، واکسیناتورها در خودرو واکسن را انجام می‌دهند و در ایستگاه آخر پزشک مستقر عوارض احتمالی ناشی از تزریق واکسن را بررسی می‌کند. نخستین ایستگاه خودرویی که در منطقه ۱۳ تهران راه‌اندازی شده و جا دارد از شهردار منطقه ۱۳ تشکر کنم که این شرایط را فراهم و نخستین ایستگاه خودرویی راه راه‌اندازی کردند که می‌تواند الگوی کاملاً موفق و خوبی برای سایر مناطق باشد.» همچنین «مهرداد احمدی» رئیس اداره سلامت شهرداری منطقه ۱۳ نیز در این‌باره معتقد است: «این طرح با هدف تضمین آرامش و تأمین سهولت برای واجدان شرایط دریافت واکسن شکل گرفته است و در این فرایند، تزریق واکسن در خودرو انجام می‌شود و افراد دریافت‌کننده واکسن و خانواده‌ها، از آرامش بیشتری برخوردار خواهند بود.» او می‌افزاید: «در همین راستا برای رفاه شهروندان تهرانی و با هدف افزایش سرعت تزریق واکسن به افراد در کمترین زمان ممکن و حذف صف‌های نوبت دهی که بعضاً باعث طولانی می‌شوند و به حداقل رساندن احتمال انتقال ویروس کرونا در میان مراجعان و همراهانشان و کادر درمان نسبت به دیگر مراکز واکسیناسیون، این طرح پایه‌گذاری شد.»

مراجعان به مرکز واکسیناسیون خودرویی سرخه‌حصار با گذر از ۳ ایستگاه فرایند تزریق واکسن را طی می‌کنند که ایستگاه ابتدایی پذیرش و دریافت کارت ورود است. در این ایستگاه، خودروها در صف پشت سر هم قرار می‌گیرند تا نوبت پذیرش‌شان فرا برسد. هر خودرو که به ایستگاه ابتدایی می‌رسد، اطلاعات اولیه شهروندان توسط کارشناس ثبت و مراجعان به ایستگاه بعد، یعنی تزریق واکسن هدایت می‌شوند. همه مسیر با نصب چندین پتر هدایتگر ایجاد شده، چند میز ردیف به ردیف داخل غرفه قرار داده شده است. افراد نیازمند واکسن با اولویت سنی که وزارت بهداشت اعلام کرده و طی فرایندی که ثبت‌نام می‌کنند یا رزرو قبلی که انجام می‌دهند به بوستان جنگلی سرخه‌حصار مراجعه می‌کنند و در شماره یک ورود پیدا کرده و در ۳ ایستگاه شناسایی و پذیرش، تزریق واکسن و معاینه پزشک فرایند واکسیناسیون ویروس منحوس کرونا را به دور ازدحام و جلوگیری شیوع ویروس در محیطی متفاوت و دل‌باز انجام می‌دهند.» او می‌افزاید: «برای این طرح که پیش‌بینی کرده‌ایم حدود ۳۰ دقیقه برکت وجود نخستین شهیده سلامت منطقه ۱۳و دبیر واکسیناتور برای تزریق به سمت خودرو مراجعان رفته و واکسن تزریق می‌کند. دکتر «علیرضاوالی» فرمانده ستاد کرونا تهران در این‌باره می‌گوید: «براساس ابلاغیه وزارت بهداشت قرار است مراکز تجمیعی در کلاشهرها ایجاد شود که نخستین مرکز خودرویی در بوستان جنگلی سرخه‌حصار ایجاد شده و نخستین تلقیح به برکت وجود نخستین شهیده سلامت منطقه ۱۳و دبیر کانون سلامت سرخه‌حصار با حضور پدر و مادر آن شهیده انجام شد. خوشبختانه مجموعه شهرداری همکاری خوبی داشته و قرار است ما در سوله‌های بحران و سایر پارک‌های جنگلی که امکان ایجاد واکسیناسیون خودرویی را دارد، بدون ایجاد ترافیک این تلقیح خودرویی را داشته باشیم.»

آماده‌باشی کامل

پس از گذشت از دو مرحله اول و تزریق واکسن، مراجعان به ایستگاه پزشک و همان ایستگاه پایانی می‌رسند که راه‌های رسیدن به این ایستگاه نیز در مسیر مشخص شده و مراجعان می‌توانند به راحتی به این ایستگاه دسترسی یابند. حضور در این ایستگاه برای همه مراجعان الزامی و در واقع شرط خروج از بوستان مراجعه به این ایستگاه است. دکتر «ندا قوامی» پزشک مرکز بهداشت شرق در این‌باره می‌گوید: «در این ایستگاه

و آتش‌نشانی، نیروی انتظامی، پلیس راهنمایی و رانندگی و... برای برقراری امنیت و نظم‌دهی به محیط و مراجعان در مرکز واکسیناسیون کووید ۱۹مستمر حضور دارند. این طرح از هفته گذشته آغاز و پیش‌بینی شده به مدت سه ماه با مشارکت مرکز بهداشت شرق تهران و ناحیه بسیج کمیل اجرایی شود. از این‌رو شهروندان واجد شرایط می‌توانند با مراجعه به بوستان جنگلی سرخه‌حصار در محیطی آرام واکسینه شوند.



تعدادی از پروژه‌های زیست‌محیطی و خدمات شهری منطقه ۱۳ این روزها مراحل تکمیل را طی می‌کند

از ساخت نیروگاه خورشیدی تا بوستان دوستدار کودک

پروانه بهرام‌نژاد

این روزها اجرای طرح‌های متعددی در سیزدهمین تکه پایتخت آغاز شده که با تکمیل آنها بخش مهمی از خواسته‌های شهروندان این محدوده محقق می‌شود. طرح‌های بزرگ و کوچک در حوزه معاونت خدمات شهری و محیط‌زیست که برخی از آنها پیشرفت بیش از ۴۰ درصدی داشته و تعدادی از آنها در آستانه بهره‌برداری قرار دارند و این میان تعدادی از پروژه‌ها هم به‌زودی وارد مرحله اجرایی خواهد شدند. از این‌رو سراغ «احسان صفایی» معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهر دار منطقه ۱۳ رفتیم تا برای ما از مهم‌ترین طرح‌ها و برنامه‌های این معاونت بگوید. صفایی معتقد است سرانه‌های فضای سبز محله‌های محدوده توسعه می‌یابد و چشم‌انداز روشنی در انتظار ساکنان این بخش از شهر است.

معاونت خدمات شهری چند اداره دارد که هریک فعالیت گسترده و شرح خدمات و وظایف متنوعی دارند و در حقیقت هریک از اداره‌های آن از یک معاونت تشکیل شده‌است. از این‌رو میزان کار و فعالیت هر اداره آن، متنوع و در مجموع برای پیشرفت و آبادانی محله‌ها اثرگذار است. صفایی در این‌باره می‌گوید: «داره‌های فضای سبز، پسماند، زیباسازی، محیط‌زیست، خدمات شهری، ساماندهی و مسیل‌ها و فوئات زیرمجموعه این معاونت هستند که هریک از آنها مسئولیت‌های متعددی برعهده دارند. از این‌رو پروژه‌های این معاونت بسیار گسترده و چشم‌انداز روشنی در انتظار محله‌های منطقه ۱۳ است.

به گفته وی، ساخت نیروگاه خورشیدی، تصفیه‌خانه فاضلاب، بوستان دوستدار کودک، ایجاد بوستان و باتوق محله، بهسازی بوستان‌ها و آبنماها، ساخت و نصب آثار حجمی، حذف زوائد فیزیکی، اکوپارک، نگاهتگاه سگ‌ها و ایجاد مرکز تولید گیاهان دارویی از مهم‌ترین طرح‌های این حوزه برای امسال است. او می‌افزاید: «این میان برخی از پروژه‌ها را با مشارکت معاونت‌های دیگر اجرا می‌کنیم که ایجاد بوستان دوستدار کودک یکی از آنها و با مشارکت معاونت اجتماعی انجام می‌شود. برای این کار امسال یک پارک در نظر گرفتیم و احتمالاً این طرح در بوستان ورزش اجرا خواهدشد.»

بهسازی آبنماها و آبخوری‌ها

بهسازی و آیین‌سازی آبنماهای منطقه از دیگر طرح‌های این حوزه است که چند آبنما تغییر و بازطراحی می‌شود. صفایی در این‌باره می‌گوید: «مثلاً بهسازی میدان لوزی امسال اجرا می‌شود و روشنایی بوستان‌های خیام، مادر و میدان لوزی تعویض خواهدشد. حدود ۵۰ آبنمای منطقه امسال مناسب‌سازی و آیین‌سازی می‌شود. این میان برای استفاده بهتر معلولان و کودکان ۵۰ آبخوری منطقه هم بهسازی خواهدشد.» او ادامه می‌دهد: «همچنین

امسال چند ملک را به کمک معاونت خدمات شهری تهران برای ساخت بوستان خریداری می‌کنیم که در هر ناحیه یک زمین به کمک شوراباری‌ها مشخص شده و می‌توانیم در آنجا بوستان راه‌اندازی و به افزایش سرانه فضای سبز محله‌ها کمک کنیم.»

اکوپارک سرخه‌حصار

در میان فعالیت‌های جاری سیزدهمین تکه پایتخت، عمده‌ترین اقدامات در دل بوستان جنگلی سرخه‌حصار رخ می‌دهد که تبدیل این بوستان به اکوپارک یکی از آنها است. معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۱۳ در این‌باره بیشتر توضیح می‌دهد: «یکی از کارهای بزرگ محیط‌زیستی ما کلت‌گزنی و شروع به کار اکو پارک شرق تهران است. برای این طرح، زمین مشخص و مشاوران تعیین شده و مشاور در حال طراحی و اجرای پروژه است. ما در شهر تهران به معنای واقعی اکوپارک نداریم از این‌رو سعی داریم ۱۱۰۰ المان مربوط به اکوپارک در اینجا ساخته شود. این پروژه در حال طراحی و یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های ما است.»

ساخت نیروگاه خورشیدی

ساخت نیروگاه خورشیدی از اقدامات قابل توجه حوزه محیط‌زیست است که صفایی در این‌باره می‌گوید: «امسال بزرگ‌ترین نیروگاه خورشیدی تهران را ایجاد می‌کنیم و اسناد این طرح آماده شده و تا یک ماه آینده فعالیت آن در بدنه بوستان جنگلی سرخه‌حصار شروع می‌شود. این یک پروژه بزرگ زیست‌محیطی و آغازگر پروژه‌های آینچنینی در منطقه ۱۳ است و اگر روند کار به خوبی پیش برود، بخشی از برق بوستان جنگلی سرخه‌حصار از این طریق تأمین می‌شود.» معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۱۳ تأکید می‌کند: «این



احسان صفایی
معاون خدمات
شهری و محیط‌زیست
شهردار منطقه ۱۳

بزرگ‌ترین نیروگاه خورشیدی ۱۳۰ کیلو واتی داخل شهر تهران است که با هدف فرهنگسازی استفاده بهینه از انرژی پاک انجام خواهدشد.»

تصفیه فاضلاب شرق

ایجاد تصفیه‌خانه مسیل سرخه‌حصار یکی دیگر از اقدامات قابل توجه است. صفایی درباره این‌طور توضیح می‌دهد: «در تفاهنامه‌ای که میان شهرداری تهران و وزارت نیرو بسته شده، حق استفاده از آب چند مسیل به شهرداری تهران داده شده که یکی از آنها مسیل سرخه‌حصار است. هدف از این کار استفاده آب مسیل سرخه‌حصار برای آبیاری بوستان جنگلی سرخه‌حصار و فضای سبز پیرامونی است. طراحی تصفیه‌خانه انجام شده و به‌زودی پیمانکار آن مشخص و عملیات اجرایی پروژه شروع می‌شود.» او می‌افزاید: «تصفیه‌خانه شرق وظیفه تصفیه فاضلاب مناطق ۱۳ و احتمالاً بخشی از منطقه ۴ یا ۸ را عهده‌دار خواهد بود. قرار است در آنجا تولید و تصفیه و استفاده از آب را داشته باشیم. برآورد ما برداشت ۱۰ میلیون مترمکعب در سال از این تصفیه‌خانه است.» او تأکید می‌کند: «با این کار مشکل عمده آبرسانی منطقه ما حل می‌شود. این تصفیه‌خانه در ضلع جنوب غربی بوستان سرخه‌حصار ایجاد می‌شود.»

ایجاد مرکز MRF

کاهش پسماند همواره یکی از دغدغه‌های مدیریت شهری بوده و از این‌رو راه‌اندازی خط MRF یکی از طرح‌های مهم در منطقه ۱۳ است. صفایی در این‌باره می‌گوید: «طرح اصلی ما در حوزه مدیریت پسماند، راه‌اندازی خط ام‌آراف است که زمین به پیمانکار واگذار و تولید دستگاه‌ها از چند ماه قبل آغاز شده تا اواخر تیرماه دستگاه آماده و نصب می‌شود. پیش‌بینی

۴

بوستان جدید در ۴ ناحیه منطقه ۱۳ با تملک زمین به سرانه فضای سبز محدوده افزوده می‌شود.

می‌کنیم تا اواخر شهریور ماه، راه‌اندازی اینجا را داشته باشیم.» او تأکید می‌کند: «این خط پذیرش زباله‌های مناطق ۸ و ۱۴ را هم در دستور کار قرار داده و زباله ۳ منطقه در اینجا پردازش و کم حجم‌سازی می‌شود و شیرابه‌گیری آن انجام و در نهایت‌درصد کمی از آن با کوچک‌سازی و فشرده‌سازی به مرکز دفن زباله کهریزک انتقال می‌یابد. این پروژه با نزدیک به ۶۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری شروع به کار کرده‌است.»

نگاهتگاه سگ‌های بی‌صاحب

تردد سگ‌های بی‌صاحب در معابر معضل دیرین محله‌های حاشیه‌ای پایتخت است. از این‌رو مدیریت شهری منطقه ۱۳ با راه‌اندازی مجموعه «پردیس مهر» درصدد کاهش این مشکل شهروندان است. معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۱۳ در این‌باره می‌گوید: «این پردیس نزدیک به ۴۰۰ ۵۰۰ قلاهد سگ را پذیرش می‌کند و در بخش‌های نگاهتگاه، عقیم‌سازی، نگهداری و واگذاری فعالیت خواهدکرد. سعی داریم بعد از بازگشایی از ظرفیت شکل‌ها برای واگذاری استفاده کنیم.»



بوستانی از دورریختنی‌ها

برنامه‌ریزی برای ایجاد بوستان بازیافت هم جزو پروژه‌های امسال این حوزه است. صفایی در این‌باره می‌گوید: «در حال طراحی آلمان‌های بوستان بازیافت هستیم. مکان اجرای این طرح هنوز قطعی نشده و به دنبال جای مناسب هستیم تا بتوانیم از کل عرصه بوستان برای تبدیل پارک بازیافت استفاده کنیم. عمده‌ترین هدف ما از ایجاد این بوستان بازیافت، آموزش شهروندان و حساس‌سازی آنها به‌ویژه کودکان به مقوله بازیافت با استفاده از نمادها و میلمان بازیافتی است.» او می‌افزاید: «قرار است در این بوستان حتی خطوط تولید و تفکیک پسماند هم به‌صورت ماکت برای بچه‌ها تهیه شود تا آنها بتوانند نحوه پردازش زباله را از نزدیک ببینند و یاد بگیرند. به دنبال این هستیم نشان دهیم با وسایل بازیافتی هم می‌توان بوستان را تزئین کرد.»

تولید گیاهان دارویی و نوسازی میلمان سرخه‌حصار

در بوستان جنگلی سرخه‌حصار مجموعه‌ای برای پرورش گیاهان دارویی اختصاص یافته‌است که فعالیت‌های این مجموعه با تقاوتی نسبت به گذشته حال جمع‌آوری است. این پل‌ها باعث تجمع زباله و از بین رفتن باغچه و فضای سبز می‌شود. همچنین در این راستا همسان‌سازی تابلوهای تجاری از جمله در فلکه دوم نیروی هوایی را در دستور کار داریم.»

احیای فضای شهری

خیابان پیروزی به‌عنوان یک محور اصلی منطقه ۱۳ مورد توجه ویژه قرار گرفته است. رنگ‌آمیزی خیابان، حذف زوائد فیزیکی و زیباسازی و بازپیرایی جداره‌های خیابان پیروزی در دستور کار است تا امسال تکمیل شود. معاون خدمات شهری و محیط‌زیست منطقه ۱۳ می‌گوید: «میدواریم با ترمیم نقاشی‌های دیواری و ترسیم دیوارنگاره‌های جدید در منطقه فضای شهری را تغییر دهیم. درصددیم رنگ را در منطقه ۱۳ بیشتر کنیم و فضای شهری را بهبود

ساماندهی اصناف

ساماندهی اصناف خیابان‌های دماوند و ۳۰ متری نیروی هوایی یکی دیگر از فعالیت‌های این بخش است که اکنون جمع‌آوری پل‌های غیرمجاز مقابل مغازه‌های این محدوده آغاز شده است. معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۱۳ در این‌باره می‌گوید: «این پردیس نزدیک به ۴۰۰ ۵۰۰ قلاهد سگ را پذیرش می‌کند و در بخش‌های نگاهتگاه، عقیم‌سازی، نگهداری و واگذاری فعالیت خواهدکرد. سعی داریم بعد از بازگشایی از ظرفیت شکل‌ها برای واگذاری استفاده کنیم.»

۳

باتوق محله برای ایجاد در ناحیه‌های یک و ۲ در دستور کار قرار گرفته است.

۵

حذف زوائد فیزیکی در فلکه دوم نیروی هوایی انجام شده‌است.

۲

مخزن زباله جدید جایگزین مخازن خراب محدوده منطقه می‌شود.

۵

آبخوری مناسب برای استفاده معلولان و کودکان در بوستان‌های محدوده نصب می‌شود.

چرا منطقه ۴ رتبه اول تصادفات منجر به فوت در شهر تهران را به خود اختصاص داده است

خطر در بزرگراه

پرسا نوری



قراونی بزرگراه‌ها

محصور بودن بین شبکه‌ای از شریان‌های اصلی پایتخت، یکی از مهم‌ترین دلایلی است که موجب شده منطقه ۴ جزو مناطق پر تصادف پایتخت به حساب بیاید. این منطقه بزرگراه‌های شهید سلیمانی، شهید بابایی، شهید صیاد شیرازی، شهید زین‌الدین، شهید باقری و امام علی(ع) را در خود جای داده که حجم بالایی از خودروهای پایتخت با سرعتی بیش از معابر شهری در آنها تردد می‌کنند. این موضوع می‌تواند بستر تصادفات زیادی باشد. بنا به آمار مرکز کنترل ترافیک، از بین ۱۸ میلیون سفری که روزانه در تهران انجام می‌شود، حدود ۲ میلیون سفر متعلق به منطقه ۴ است و این حجم بالای تردد خودرو یکی از دلایل بروز تصادف و حوادث رانندگی است.

قرار گرفتن در ورودی شمال شرقی شهر

به گفته کارشناسان بیشتر تصادف‌های شدید در محورهای بزرگراهی ورودی شهرها و به دلیل خستگی راننده رخ می‌دهد. بزرگراه بابایی و خیابان دماوند در شمال و جنوب منطقه ۴، دو محور ورودی تهران هستند که حجم زیادی از تصادفات منجر به فوت به دلیل بالا بودن سرعت در این معابر انجام می‌شود چون رانندگان با سرعت جاده و خستگی حاصل از سفر به این معابر وارد می‌شوند و رفتار ترافیکی مناسب معابر شهری را ندارند.

تعداد روزانه ۳۶۰۰ کامیون و میکسر

وجود کارخانجات صنعتی و همجواری با مرکز تخلیه نخاله هم یکی از دلایل بالا بودن آمار تصادفات در منطقه ۴ است. سرهنگ دریگوند در توضیح بیشتر می‌گوید: «روزانه ۳۶۰۰ دستگاه کامیون که نخاله‌های ساختمانی را به ابعلی می‌برند از معابر منطقه ۴ عبور می‌کنند. همچنین به دلیل به دلیل وجود کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و صنایع کوچک و بزرگ در بخش شرقی منطقه صدها میکسر و ماشین‌آلات سنگین بتن‌ریزی در حال رفت‌وآمد هستند، تصادفات کامیون و ماشین‌آلات سنگین اغلب در صبح زود یا اواخر شب به دلیل سرعت بالا و خواب آلودگی رانندگان اتفاق می‌افتد و عموماً منجر به فوت می‌شوند.»

وجود ۲ محور حادثه‌خیز در دماوند

وجود محورهای پرخطر و حادثه‌خیز مانند خیابان دماوند هم از دلایل مهم بالا بودن آمار تصادفات منجر به فوت در منطقه ۴ است. سرهنگ دریگوند در این‌باره می‌گوید: «خیابان دماوند ۲ نقطه حادثه‌خیز دارد، یکی دوربرگردان منتهی به بزرگراه رسالت و دیگری دوربرگردان خیابان جشنواره؛ که سال گذشته حجم تصادفات در این محور به قدری بالا بود که از کارشناسان معاونت ترافیکی شهرداری تهران درخواست کردیم راهکاری برای ایمن‌سازی آن پیدا کنند. در حال حاضر مطالعات برای ایمن‌سازی این محور در حال انجام است و احتمالاً این دوربرگردان‌ها با ایجاد محور جایگزین مثل تقاطع غیرهمسطح ایمن می‌شوند.»



تصادفات رانندگی منطقه ۴ به روایت اعداد

- به گفته رئیس دایره تصادفات منطقه، ساعت ۱۸ تا ۲۲ زمانی است که بیشترین تصادفات در آن به وقوع پیوسته است.
- آمار تصادفات منطقه طی ۲ سال اخیر کاهش یافته است به طوری که در سال ۹۸ نسبت به سال ۹۷، ۱۰ درصد و در سال ۹۹ هم نسبت به سال ۹۸، ۱۱ درصد کاهش داشته است.
- بیش از ۶۰ درصد از تصادفات منجر به فوت در منطقه ۴ مربوط به تصادف خودرو با عابران پیاده است.
- در سال ۹۹، بالغ بر ۳۰ درصد مأموریت‌های پلیس راهور در منطقه ۴ رسیدگی حوادث رانندگی بوده است.

منطقه ۴ با ۱۲ درصد فوتی‌های تصادفی در سال ۹۹، رتبه اول تصادفات منجر به فوت را در بین مناطق ۲۲گانه پایتخت به خود اختصاص داده است. این خبری است که هفته گذشته به نقل از رئیس اداره تصادفات پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ منتشر شد. اما صرف‌نظر از وسعت و جمعیت بالای این منطقه، چه عامل با عواملی تکه چهارم پایتخت را در صدر لیست تصادفات پرخطر نشانه است. پاسخ این سؤال را از سرهنگ «بردییا دریگوند» رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی و سرگرد «مهبی‌زکی‌زاده» رئیس دایره تصادفات منطقه ۴ جویا شدیم.ر



بزرگراه باقری معبری پر حادثه

بعد از خیابان دماوند، بزرگراه شهید باقری به دلیل شیب بالا و وجود دوربرگردان‌های متعدد جزو متهمان اصلی تصادفات رانندگی منطقه بوده است. به‌طوری که ۳۲ درصد از تصادف‌های منجر به فوت سال ۹۹ در این بزرگراه رخ داده است. رئیس دایره تصادفات منطقه می‌گوید: «علاوه بر سرعت زیاد و وجود دوربرگردان‌های متعدد، یکی از دلایل اصلی تصادف در این معبر وجود معازره‌های حاشیه بزرگراه است.» او می‌افزاید: «در حاشیه بزرگراه باقری معازره‌های متعدد سوپرمارکت و نانواپی و... داریم و گاهی رانندگان به قصد خرید تغییر مسیر ناگهانی می‌دهند و این موضوع موجب تصادف می‌شود.» به گفته زکی‌زاده یکی دیگر از دلایلی که بزرگراه باقری را در لیست سیاه تصادفات منطقه قرار می‌دهد، دور دورهای شبانه جوانان در این بزرگراه است و اگر مواد روانگردان مصرف کرده باشند احتمال بروز تصادف چند برابر می‌شود.



اصلاحات هندسی ۷۰ معبر

با وجودی که منطقه ۴ بالاترین آمار تصادف را دارد، از آن طرف هم بیشترین آمار اصلاحات ترافیکی در سال ۹۹ را بین مناطق ۲۲گانه پایتخت به دست آورده است. رئیس پلیس راهور در این باره می‌گوید: «معاونت ترافیک شهرداری همکاری خوبی برای اصلاح هندسی و ایمن‌سازی معابر منطقه دارد و هر معبری که از نظر کارشناسان راهور نیاز به اصلاح هندسی داشته ایمن‌سازی شده است. به‌طوری که در سال گذشته ۷۰ معبر منطقه اصلاح هندسی شده و این موضوع موجب نقش زیادی در پایین آوردن آمار تصادفات داشته است.» دریگوند می‌افزاید: «با اصلاحات هندسی و آموزش‌های ترافیکی آمار تصادف در سال ۹۹ نسبت به سال ۹۸، ۱۰ درصد کاهش داشته است.» ساخت پل روگذر تقاطع فرجام-باقری، اصلاح رمپ ریجانی به بزرگراه زین‌الدین و ایجاد کنار گذر از بزرگراه زین‌الدین به خیابان اردیبهشت و... از جمله اصلاحات هندسی انجام شده در معابر منطقه است.

نسترن والهه میرزاخانی، ورزشکاران ساکن محله مسعودیه، مقام‌های قهرمانی متعددی دارند

خواهران همه‌فن حریف

سارا جعفرزاده

«در مناطق جنوبی شهر تهران استعدادهای ورزشی بسیاری وجود دارند که رسیدن به مقام قهرمانی در رشته مورد علاقه آنها رویای کودکی‌شان بوده و همچنان با آنهاست. در این مناطق اغلب حاشیه‌ای شهر، چه بسیارند کسانی که از همان کودکی ورزش را به‌عنوان هدف اول و آخر زندگی خود انتخاب و در مسیر ورزش رشد و بالندگی پیدا می‌کنند. «نسترن میرزاخانی» ۲۱ ساله و «الهه میرزاخانی» ۱۶ ساله دو خواهر ورزشکار رشته کاراته محله مسعودیه هستند که از سن بسیار پایین وارد عرصه ورزش شده‌اند و بعد از طی فراز و نشیب‌های بسیار، چند مقام قهرمانی کشوری و استانی در رشته کاراته کسب کرده‌اند. این دو خواهر سختکوش به‌امکانات محدود ورزشی منطقه ۱۵ و محله مسعودیه پسند نکرده‌اند و مسیر ورزش را با هر سختی که داشته و دارد در مناطق دیگر ادامه داده‌اند تا به هدفشان برسند. نکته جالب توجه اینجاست که این دو خواهر در ورزش تک بعدی عمل نکرده‌اند و در رشته‌های مختلف ورزشی از جمله تکواندو، کاراته، والیبال، بسکتبال و ایروبیک، کبیدی و کوهنوردی هم دستی بر آتش دارند البته ورزش مانع از این نشده که از درس و تحصیل جا بمانند و خوشبختانه هر دو در تحصیل هم بسیار موفق عمل کرده‌اند.»

تمام زندگی خانواده میرزاخانی در ورزش خلاصه می‌شوده مادر خانواده کارشناس تربیت‌بدنی است و از همان کودکی دو دخترش را برای ورود به عرصه ورزش تشویق کرده است. پدر خانواده قبلاً کشتی گیر بوده و حاصل زندگی این خانواده پرورش ۲ فرزند موفق هم در عرصه ورزش و هم در عرصه علم است. نسترن خواهر بزرگ‌تر است و ورزش را از ۳ سالگی با ورود به رشته‌هایی از جمله بسکتبال، والیبال و اسکیت آغاز کرده و از سن ۱۰ سالگی کاراته را به‌صورت حرفه‌ای دنبال می‌کند. او در استانی و کشوری بسیاری را از آن خود کند. نسترن حتی رشته دانشگاهی‌اش هم تربیت‌بدنی است و در حال حاضر در ترم آخر این رشته تحصیل می‌کند. الهه هم زندگی ورزشی خود را مانند خواهر خود از ۳ سالگی آغاز کرده است اما کمی زودتر از او یعنی از ۵ سالگی وارد دنیای حرفه‌ای کاراته شده و مانند خواهر خود مقام‌های استانی و کشوری بسیاری را از آن خود کرده است. این دو خواهر می‌گویند پیشنهادهایی هم در خصوص مهاجرت به کشورهای دیگر داشته‌اند اما تعصب آنها به وطن باعث شده همچنان در کشور خود بمانند.

مادرم شوق اصلی من بود

برای خواهران میرزاخانی، مادرشان حکم مشوق و پشتیبان را دارد و هر دو خواهر معتقدند بدون حمایت‌های مادرشان هرگز به جایگاه ورزشی فعلی‌شان نمی‌رسیدند. نسترن در حال حاضر دارای کمربند مشکی دان دو کاراته است و می‌گوید: «از سن کم کاراته تمرین می‌کردم و بعد از چند سال برای مسابقات انتخابی تیم ملی انتخاب شدم. در بیشتر مسابقات به همراه خواهرم شرکت می‌کردم و از سال ۹۱ به بعد ۹ مقام کشوری در رشته کاراته و ۳۰ مقام استانی در همین رشته کسب کرده‌ایم. همچنین من و خواهرم ۲ مقام قهرمانی استانی در رشته کبیدی و یک مقام قهرمانی استانی در رشته کوهنوردی داریم.» او در خصوص حمایت‌های مادرش ادامه می‌دهد: «متأسفانه در رشته کاراته نادآوری‌های بسیاری صورت می‌گیرد. خاطرم هست در یکی از مسابقات داور بالای سر من حضور نداشت و امتیاز من را ثبت نکرده بود و بعد از پیگیری‌های مادرم، درخواست بازبینی فیلم را دادیم و آنجا بود که متوجه قصور داور شدیم. با تمام این ناملایمات و نادوری‌ها همیشه مادرم حامی و پشت و پناه من و خواهرم بود و روحیه و تشویق‌هایش باعث می‌شد ما دست از تلاش برنداریم و ورزش را ادامه بدهیم.»

امکانات کم، پیگیری مطلوب

در منطقه ۱۵ امکانات ورزشی به‌صورت تخصصی محدود است. البته در چند سال اخیر این وضعیت بهتر

پیگیری‌های مسئولان ورزش در شهرداری در ایام کرونا بسیار قابل تحسین بوده در واقع با کلاس‌های آنلاین من و خواهرم توانستیم در ایام کرونا رشته تکواندو را پیگیری کنیم

عکس‌ها: منا عادل



شده است اما باز هم این موضوع را نمی‌توان نادیده گرفت که خواهران میرزاخانی با همین امکانات محدود به موفقیت رسیده‌اند. الهه میرزاخانی که در حال حاضر در رشته کاراته سبک شوتوکان مقام قهرمانی دارد، در این‌باره می‌گوید: «آن زمان که تازه وارد رشته کاراته شده بودم، منطقه ما مدرسه یا مرکز تخصصی کاراته نداشت اما من و خواهرم در باشگاه‌های خصوصی علاقه داشته باشیم، درست است که این منطقه مدرسه یا باشگاه تخصصی ندارد اما هر کسی که به ورزش علاقه داشته باشد، در همین منطقه می‌تواند با تکیه بر استعداد و تلاش به هدفش برسد. به این نکته باید اشاره کنم که در کنار امکانات محدود ورزش در منطقه ۱۵، پیگیری‌های مسئولان ورزش در شهرداری در ایام کرونا بسیار قابل تحسین بوده در واقع با کلاس‌های آنلاین من و خواهرم توانستیم در ایام کرونا رشته تکواندو را پیگیری کنیم و در حال حاضر خواهرم کمربند مشکی دان دو و من دان یک را دارم. البته قبل

از کرونا تکواندو کار می‌کردیم اما در ایام کرونا کمی از تمرین عقب‌مانده بودیم که خوشبختانه جبران شد.»

به گسترش باشگاه فکر می‌کنم

خواهران میرزاخانی در چندین مسابقه انتخابی تیم ملی توانسته‌اند قهرمان شوند، اما هربار با نادآوری مواجه شده‌اند و با این حال از تلاش دست برنداشته‌اند. نسترن به برخی مشکلات در مسیر ورود به تیم ملی اشاره می‌کند و می‌گوید: «من و خواهرم در تمام مسابقات انتخابی تیم ملی قهرمان شدیم به قدری مصمم بودیم که حتی به مقام نایب قهرمانی هم رضایت نمی‌دادیم بعد از این مسابقات به مرحله نهایی برای ورود به تیم ملی راه پیدا می‌کردیم اما متأسفانه نفرت قبلی ثابت تیم ملی مجدداً انتخاب می‌شدند و عملاً برای نفرت جدید جا نداشتند. با تمام این مشکلات باز من و خواهرم از تلاش دست برنداشتیم و در رشته تکواندو شانس خود را امتحان کردیم و در حال حاضر می‌خواهیم تکواندو را ادامه بدهیم. سال‌ها پیش به راهیابی به المپیک فکر می‌کردم اما با این شرایط به آرزوی محالی تبدیل شد. برای آینده در نظر داریم باشگاهی که مادرم مدیریت آن را برعهده دارد گسترش بدهیم و در کنار آن شانس خودمان را در رشته تکواندو امتحان کنیم. در باشگاه مادرم چندین شاگرد هم داریم که سعی می‌کنیم اصول ورزش‌های مختلف از جمله ایروبیک، تی آر ایکس، کاراته و... را به آنها آموزش بدهیم.»

ورزش رزمی یعنی دفاع و مقاومت

شاید در نگاه اول فعالیت در رشته‌های تکواندو یا کاراته برای بانوان کمی دشوار به نظر برسد اما خواهران میرزاخانی نظر دیگری دارند و معتقدند فراگیری یک ورزش رزمی برای بانوان بسیار ضروری و مهم است. نسترن معتقد است این روزها رشته‌های رزمی در میان بانوان علاقه‌مندان اندکی دارد و می‌گوید: «این روزها بیشتر نوجوانان و جوانان به رشته‌های بدنسازی و رقص روی می‌آورند و کمتر دختر نوجوانی به دنبال رشته‌های رزمی می‌رود. اما به‌عنوان یک دختر در این جامعه به هم همنس و سالانم توصیه می‌کنم حداقل یک ورزش رزمی را فراگیرند چون آن وقت است که می‌توانند در صورت بروز مشکل از خود دفاع کنند البته ناگفته نماند ذات ورزش‌های رزمی یعنی دفاع و مقابله و کسانی که ورزش رزمی کار می‌کنند نه تنها در جامعه می‌توانند از خود دفاع کنند بلکه در برابر مشکلات زندگی هم مقاوم می‌شوند.»





مشکل دیرینه کمبود
جای پارک خودرو
در خیابان شهید مدنی
کاهش می‌یابد

لحظه‌شماری برای توقف آسوده

سارا جعفرزاده

توقف دوبله خودروها

مشکل کمبود جای پارک خودرو در برخی مواقع شاید چندان حاد نباشد اما موضوع وقتی بغرنج می‌شود که افراد ناشناس با قرار دادن خودرو خود مقابل پارکینگ شهروندان برای آنها مزاحمت ایجاد می‌کنند یا به‌صورت دوبله در جاهایی که نباید پارک کنند توقف می‌کنند و گاهی ساعت‌ها باعث معطلی دیگر رانندگان می‌شوند. «روح‌الله اینانلو» یکی دیگر از ساکنان خیابان شهید مدنی با یادآوری این موضوع، درباره مشکلات حاصل از توقف دوبله خودروها می‌گوید: «با توجه به اینکه خیابان شهید مدنی یکی از خیابان‌های پر تردد منطقه ۸ است، ما شاهد تردد روزانه هزاران فرد ناشناس در این خیابان هستیم. این افراد برای انجام کارهای اداری یا یک خرید کوچک، خودرو خود را مقابل در پارکینگ پارک یا به‌صورت دوبله توقف می‌کنند و چون شماره تماسی از خود در پشت شیشه قرار نمی‌دهند، رانندگان دیگر دقایقی را باید در جست‌وجوی راننده بی‌ملاحظه باشند. این درحالی است که اگر همسایه‌ای مجبور شود ماشین خود را مقابل پارکینگ دیگری پارک کند یا با اطلاع قبلی این کار را انجام می‌دهد یا شماره تماسی از خود پشت شیشه قرار می‌دهد.» این شهروند را به استفاده از خودرو ترغیب می‌کنیم، بلکه باید در مکان‌هایی که ضرورت دارد پارکینگ ایجاد نشود. یکی از مکان‌هایی که مسئولان شهری در منطقه ۸ با کارشناسی‌های متعدد و نیازسنجی برای ساخت پارکینگ در نظر گرفته‌اند، خیابان شهید مدنی است. مکانی مجاور بازار میوه و تره‌بار شهید مدنی که قرار است تبدیل به پارکینگ طبقاتی شود تا بلکه بخش زیادی از مشکلات شهروندان در خصوص تأمین پارکینگ رفع شود.

قوانین ساخت‌وساز رعایت نشده است

کمبود جای پارک خودرو در معابر و محله‌های منطقه ۸ که باعث متراکم‌تری دارد بیشتر دیده می‌شود. «سهراب نظاری» یکی از ساکنان خیابان شهید مدنی در این‌باره می‌گوید: «مشکل کمبود جای پارک در محله ما از سال‌ها قبل بوده اما از حدود ۵ سال پیش به اوج خود رسیده است. از یک طرف با افزایش جمعیت محله‌ها و گسترش ساخت‌وسازها و از طرف دیگر با تولید انبوه خودروها، مشکل کمبود جای پارک خودرو در محله‌های منطقه ۸ روز به روز افزایش یافته و حالا به یک معضل اساسی برای ساکنان این بخش از شهر تبدیل شده است.» این شهروند هم‌محله‌ای می‌گوید: «فکر می‌کنم ساخت‌وسازها در سال‌های اخیر طبق قوانین شهرسازی پیش نرفته و تأمین پارکینگ برای تمام واحدهای ساختمانی از سوی سازندگان مسکن لحاظ نشده است.»

هم برایش فراهم می‌کنیم، در صورتی که ایجاد پارکینگ بنا به ضرورت در برخی نقاط باید صورت بگیرد. از جمله پارکینگ شهید مدنی که در مجاور آن بازار میوه و تره‌بار و رویه‌روی آن مجموعه ورزشی دهییم و نزدیک آن ایستگاه مترو قرار دارد و ایجاد پارکینگ در این مکان ضرورت دارد.» میرزابیگی می‌افزاید: «ما نباید در هر نقطه‌ای پارکینگ ایجاد کنیم بلکه باید شهروندان را به استفاده از حمل‌ونقل عمومی و استفاده از دوچرخه تشویق کنیم. در واقع در سفرهایی با مسافت کوتاه تسهیلات و امکانات را به سمت دوچرخه‌سواری ببریم و در سفرهای بلندمدت امکاناتی از جمله تاکسی و اتوبوس و مترو فراهم کنیم.»

پیشرفت ۴۰ درصدی ساخت پارکینگ شهید مدنی

از مدتی قبل کارهای عمرانی ساخت پارکینگ طبقاتی شهید مدنی در منطقه ۸ آغاز شده و اکنون به پیشرفت چشمگیری هم رسیده است. «مسعود رنجبریان» شهردار منطقه ۸ در این‌باره می‌گوید: «پروژه پارکینگ طبقاتی شهید مدنی در زمینی به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع در ۲ طبقه مجاور بازار میوه و تره‌بار شهید مدنی در حال ساخت است. ایجاد این پارکینگ طبقاتی با هدف جلوگیری از توقف خودروها در معابر، کاهش بار ترافیک، روان‌سازی در تردد و تسهیل در عبور و مرور شهروندان در خیابان شهید مدنی، جنب بازار میوه و تره‌بار در دستور کار قرار دارد و اکنون در مرحله بتن‌ریزی و فونداسیون است. رنجبریان با اشاره به ظرفیت خودروها در این پارکینگ ادامه می‌دهد: «با بهره‌برداری از این پروژه، فضای مورد نیاز برای پارک ۱۶۴ دستگاه خودرو تأمین و به این ترتیب رفت‌وآمد شهروندان به بازار میوه و تره‌بار این محله تسهیل خواهد شد. همچنین دست‌اندر کاران اجرایی این پروژه در صدد هستند تا کار تکمیل این پارکینگ را با توجه به عزم مدیریت شهری پایتخت برای نوسازی بافت‌های فرسوده، ارتقای سطح زندگی شهروندان و برقراری عدالت دربرخورداری از خدمات، با سرعت هر چه بیشتر به انجام برسانند.»

نروم تغییر دیدگاه‌ها نسبت به پارکینگ عمومی

منطقه ۸ یکی از مناطقی است که با کمبود پارکینگ طبقاتی و مکانیزه هم روبه‌رو است و برای حل این مشکل، قرار است پارکینگ طبقاتی شهید مدنی که در مراحل پایانی ساخت است، به بهره‌برداری برسد. «حامد میرزابیگی» معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهردار منطقه ۸ در این‌باره می‌گوید: «دیدگاه ایجاد پارکینگ باید تغییر کند وقتی مسا پارکینگ و فضای پارک بیشتری را ایجاد می‌کنیم در واقع میزان عرضه را بالا می‌بریم. در نهایت تقاضا هم در این زمینه بیشتر خواهد شد. در واقع ما شهروند را ترغیب به استفاده از خودرو شخصی و امکاناتی را



۱۰۰۰ مترمربع مساحت پارکینگ شهید مدنی است.

۱۶۴ خودرو ظرفیت برای پارکینگ شهید مدنی در نظر گرفته شده است.

۲ طبقه در طراحی این پارکینگ در نظر گرفته شده است.

۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی تاکنون برای ساخت پارکینگ شهید مدنی محقق شده است.



جست‌وجو در پیشینه یکی
از محله‌های قدیمی شرق پایتخت

آب قنات

چرخ آسیاب کاظم‌آباد را می‌چرخاند

روستایی سرسبز از توابع شمیران

به گفته اهالی و ساکنان قدیمی محله، کاظم‌آباد روستایی سرسبز از توابع شمیرانات و جزو املاک‌ورثه خواجه نوری از صاحب‌منصبان دوره قاجار بوده است. تا اواخر دهه ۵۰ زمین‌های این روستا خارج از محدوده به حساب می‌آمده، با این حال بخشی از زمین‌ها به مرور فروخته و به‌طور غیرقانونی و شبانه ساخته شدند به‌طوری که جمعیت روستا بین ۱۳۰ تا ۲۵۰ نفر تخمین زده شده است. بزرگراهی که بخش غربی محله است و به بزرگراه شهید شیرازی شناخته می‌شود، تا ۴ دهه پیش، رودخانه‌ای خروشان بوده که بعدها رویش را کانال زده و تبدیل به بزرگراه شده است. زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها سرسبز روستا توسط چند قنات پر آب سیراب می‌شده و قناتی که آب بیشتری داشته، چرخ آسیاب ده را می‌چرخاند. این قنات پراب تا اواسط دهه ۶۰ هم جاری بوده و با وجودی که آن زمان خانه‌ها آب لوله‌کشی داشتند،

پریسا نوری

کاظم‌آباد محله‌ای در شمال شرق تهران و در همسایگی محله‌های مهران، مبارک‌آباد و مجیدیه است. این محله که از شمال و جنوب با بزرگراه‌های شهید زین‌الدین و رسالت و از غرب و شرق به بزرگراه شهید صیاد شیرازی و خیابان استاد حسن بنا محصور شده: در روزگاری نه چندان دور روستایی پر از دار و درخت و زمین‌های کشاورزی بوده است. حالا سراسر محله پر شده از ساختمان‌های بلند و از آن همه سرسبزی فقط چند بوستان کوچک محلی مانده است. با «ابراهیم میرزایی» یکی از ساکنان قدیمی کاظم‌آباد، تاریخچه این محله را مرور کرده‌ایم.

وجه تسمیه کاظم‌آباد

«داریوش شهبازی» پژوهشگر و تهران‌شناس درباره وجه تسمیه و پیشینه کاظم‌آباد این‌طور می‌گوید: «زمین‌های روستای کاظم‌آباد در دوره قاجارمتعلق به میرزا کاظم خان نظام‌الملک فرزند میرزا قاجان نوری (صدراعظم ناصرالدین شاه و جانشین امیرکبیر) بوده برای همین این روستا به کاظم‌آباد شهرت یافته است. کاظم خان به دلیل حضور پدرش در صدارت، پله‌های‌ترقی را پیچود و در سال ۱۲۷۰ شخص دوم مملکت شد و به خواست ناصرالدین شاه و مهدعلیا با خانم عزت‌الدوله (همسر سابق امیرکبیر) ازدواج کرد (هر چند این ازدواج بعدها به جدایی انجامید). او بعد از عزل پدرش در سال ۱۲۷۵ قمری، مورد غضب ناصرالدین شاه قرار گرفت و به همراه پدر تبعید شد. بعدها که پدرش فوت کرد با کمک میرزا حسین خان سپهسالار که آن زمان صدراعظم ناصرالدین شاه شده بود، به پایتخت بازگشت و ابتدا حاکم یزد و سپس وزیر عدلیه شد. کاظم‌آباد در دوره قاجار یک روستای کوچک بود مثل سایر روستاهای شمیران. جمعیت این روستا طبق کتاب «فرهنگ جغرافیای ایران» نوشته مرحوم «رزم آرا» در اواخر دهه ۲۰، ۲۵۰ نفر برآورد شده و حدود ۱۰ سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۵ در کتاب «جغرافیای تاریخی ایران» اثر مرحوم «مستوده» جمعیت این روستا ۱۱۵ نفر تخمین زده شده است. این نشان می‌دهد که جمعیت روستا کم بوده یعنی بیشتر زمین‌های روستا باغ و زمین زراعی بوده و یا لم یزرع بوده و بخش مسکونی آن خیلی کوچک بوده است. محصول این روستا انواع میوه‌جات و غلات بوده و بیشتر ساکنان آن کشاورز بوده‌اند. البته یکی از نخستین کارخانه‌های سوسیس و کالباس‌سازی تهران در این محله ساخته شده و عده‌ای از اهالی در این کارخانه مشغول به کار بودند. در دهه ۳۰ یک آقای ارمنی به نام «میکاپیلیان» زمین بزرگی در این‌آبادی می‌خرد و یک کارخانه سوسیس و کالباس‌سازی در آن راه می‌اندازد. این کارخانه تا سال‌ها پس از انقلاب اسلامی هم در این محله دایر بوده است.»



نخستین کوچه محله

یکی از کوچه‌های قدیمی محله، کوچه شهید «ولی‌زاده» است که به کوچه تویسرکانی‌ها معروف است. حالا چرا این کوچه به این نام معروف شده داستانی دارد. «ابراهیم میرزایی» یکی از ساکنان قدیمی کاظم‌آباد، در این باره می‌گوید: «نخستین ساکن کوچه «حاج حسین ولی‌زاده» بوده که اصالتاً اهل تویسرکان بوده. حاج حسین در سال ۳۵ در این کوچه زمینی می‌خرد و با کمک برادرانش در آن خانه می‌سازد. ولی‌زاده‌ها ۵ برادر بودند که همگی در کار ساختمان‌سازی بودند. یکی معمار بوده، یکی بنا، یکی در و پنجره می‌ساخته و... ۵ برادر همت می‌کنند و خیلی زود خانه را با خشت و گل و آجر ساختند آب را با الاغ از قنات کاظم‌آباد آورده و همانجا در کوچه خشت درست می‌کردند.» البته آن زمان کوچه‌ای به شکل امروزی در کار نبوده و دور و اطراف خانه تا دوردست‌ها خالی بوده به‌طوری‌که شب‌ها صدای زوزه شغال‌ها و گرگ‌ها به گوش می‌رسیده. «حاج حسین ولی‌زاده» در «پل چوبی» یک مغازه نمک کوبی داشته و صبح زود ازآبادی خارج می‌شده. آن زمان به قدری دور و اطراف روستا خلوت بوده که ولی‌زاده و کسانی که خارج ازآبادی کار می‌کردند، عصرها که می‌خواستند برگردند سعی می‌کردند چند نفری با هم بیابند تا از گزند راهزن‌ها و حیوانات درنده در امان بمانند.

نخستین ساکن کوچه
«حاج حسین ولی‌زاده»
بوده که اصالتاً اهل
تویسرکان بوده، حاج
حسین در سال ۳۵
در این کوچه زمینی
می‌خرد و با کمک
برادرانش در آن خانه
می‌سازد





چطور مرگ دردناک یک جوان هم‌محله‌ای با تصمیم انسانی والدینش زندگی دوباره‌ای به جمعی از بیماران نیازمند اهدای عضو بخشید

امیرحسین

برای ما زنده است

پروانه بهرام‌نژاد

پارچه نوشته‌هایی با محتوای پیام

تسلیت بر تارک خانه شماره ۷۱ در

انتهای خیابان ۱۲۰آبدیده می‌شود و تصاویر

«امیرحسین اکبری» جوان ناکام توجه هر

رهگذری را به خود جلب می‌کند. جوانی

که اواخر فروردین ماه بر اثر تصادف جان

خود را از دست داد اما زندگی‌بخش تعداد

زیادی از بیماران شده‌است. او که چند

سال پیش برای گرفتن کارت اهدای عضو

خودش پیشقدم شده و همراه مادرش

داوطلبانه راهش را انتخاب کرده بود،

در مسیر اهدای عضو قرار گرفت و حتی

چشم‌انش هم به بیماران چشم به راه

اهدای عضو، بخشیده شد. در روزهای

اخیر مهمان خانه پدر و مادری شدید

که تصمیم بزرگی گرفتند و هیچ کلامی

التیام‌بخش رنج‌شان نیست.



و تعطیلی مغازه‌ها ۱۰روز بعد امیرحسین نشانی مغازه را از خواهرش گرفت با موتور دوستش برای عوض کردن آن رفت ولی دیگر به خانه برنگشت. امیرحسین متولد سال ۱۳۷۰ بود، در خانه منتظرش بودم و کمی درگیر کرد. وقتی تماس گرفتم یک آقا از آن سوی تلفن جواب داد و گفت: «خودتان را برسانید» پسر روی خط‌های عابریاده در حوالی بزرگراه‌های شهید باقری و شهید بابایی نیز خورده بود.»

پسر زندگی‌بخش

اشک بی‌امان از صورت مادر سرازیر می‌شود و سر می‌خورد روی قاب عکس پسر، آه می‌کشد و ادامه می‌دهد: «همیشه با خودم فکر می‌کردم وقتی که من می‌میرم دختر و پسرم چطوری طاقت می‌آورند. هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم به سوگ بچم بنشینم. خدا به دشمن آدم هم مرگ فرزند نشان ندهد.» در این لحظه، همسرش «علی‌اکبر اکبری» خطاب به او می‌گوید: «طلاقت بیار، خدا ما را امتحان کرده‌است، امیدوارم سربلند از امتحانش بیرون بیایم.» او می‌افزاید: «این درد برای ما خیلی سنگین است اما اهدای اعضای پسرمر دردمان را کمی تسکین می‌دهد، حتی چشمانش را در پزشکی قانونی به یک فرد ۵ ساله اهدا کردیم. استخاره کردم و خوب آمد و انجام دادیم.» مادر صحبت‌های همسرش را این‌طور تکمیل می‌کند: «اول از همه دخترم «ترگس» ۵، ۶ سال قبل کارت اهدای عضو گرفت، بعد من و امیرحسین کارت گرفتیم. یکی از همکارانم اولیکیشنی را معرفی کرد و با هم نامنویسی کردیم. وقتی می‌خواستیم ثبت‌نام کنیم، امیرحسین به شوخی می‌گفت: «بیزرن توجی می‌خواهی اهدا کنی.» من در فرم اولیه پوست را هم برای اهدا انتخاب کردم. پسرمر صبور، مهربان و مظلوم بود. برای همه تلاش می‌کرد و هر کاری از دستش برمی‌آمد دریغ نمی‌کرد و این هم آخرین کاری بود که دوست داشت و به سرانجام رساند. همسرمر هم پدري را در حق او تکمیل کرد و با این کار تا حدودی سوز دلمان آرام‌تر شده‌است.»

راهی که خودش انتخاب کرد

مرحوم امیرحسین چه آن زمان که در قید حیات بود و چه حالا که به خواب ابدی فرو رفته، منشأ خبر و برکت و کمک‌حال بقیه بود. او آن زمان همه مسئولیت‌های خرید خانه خود و پدرزنگش و حتی برخی از همسایگان و اقوام را هم برعهده داشت و آنها را در انجام کارهایشان همراهی می‌کرد و اکنون به اهدای عضو به جمعی از بیماران نیازمند، با تقدیم اعضای بدنش کمک کرده‌است. مادر آه می‌کشد و می‌گوید: «با انتخاب امیرحسین مخالفت نداشتیم اما زود بود.» پدر هم می‌افزاید: «امیرحسین زنده است. او راهش را خودش انتخاب کرد و ما محققش کردیم. خودش کارت گرفته بود. همه جا با مادر و خواهرش می‌رفت. همه کارها را او انجام می‌داد. جای خالی و خاطراتش ما را اذیت می‌کند. یک روز در میان کارهای پدرزنگش را انجام می‌داد و او را حمام می‌برد.» مادر ادامه می‌دهد: «من سال‌هاست خریدم انجام نداده‌ام. بدون امیر نمی‌دانم چطور از پس کارهایم برآیم.» او می‌افزاید: «وقتی بعد از خاکسپاری پدرش به من گفت چشمان امیرحسین را هم اهدا کرده، سجده شکر کردم و بر دستان همسرم بوسه زدم. چون همین که یک فرد ۵ ساله با چشمان پسر من بزرگ می‌شود و تحصیل و زندگی می‌کند، برایم ارزشمند است. دورا دور برای آنها آرزوی موفقیت می‌کنم اما آرزو دارم یک روزی بدنام و بیبنم اعضای بدن فرزندم در بدن چه کسانی است.»

مهربانی را دریغ نکنیم

همگی متفق‌القول هستند که انتخاب امیرحسین تسکین دردشان است و باید همه افرادی که در چنین شرایطی قرار می‌گیرند، همین تصمیم را بگیرند. مادر می‌گوید: «ما در حین داغ‌مان خوشحال شدیم. انتهای زندگی همه ما خواب ابدی است. باید درس بگیریم و دست از کینه و کدورت با همدیگر برداریم چون از دقیقه بعدمان خبر نداریم. ما هم راضی به رضای خدا هستیم. امانت‌دار خدا بودیم. یک روز خدا لایق دانست و بنده بکرش را به ما داد تا ما پدر و مادر خطاب شویم و او را پرورش دهیم، بار امانت روی دوش ما بود که خودش گرفت. چیزی که ما را اذیت می‌کند خاطرات، دلنگی و نبود اوست. وگرنه امیرحسین جایش خوب است.» او تأکید می‌کند: «توصیه می‌کنم افراد کارت اهدای عضو بگیرند چون این عمل تسلا بزرگی برای بازماندگان و التیام بخش دردشان است. ما حس می‌کنیم امیرحسین در این دنیا است و در زیر این آسمان زندگی می‌کند و روح او هم در آرامش است. انشاءالله امیرحسین شفاعت ما را بکند، جوان بود و با اهدای عضو جایگاهش خوب است.» «ترگس اکبری» تنها خواهر امیرحسین هم در تکمیل صحبت‌های مادرش می‌گوید: «انشاءالله برای کسی پیش نیاید اما اگر در چنین شرایط قرار گرفتند، مهربانی را دریغ نکنند. گرفتن این تصمیم برای همه امکان‌پذیر است.» پدر خانواده هم معتقد است: «وقتی مهمانان برای تسلی به دیدار ما می‌آمدند و از تصمیم امیرحسین مطلع می‌شدند، بیشترشان خوشحال و شوکه می‌شدند

و از اینکه ما خواسته پسرمر را عملی کردیم، تشویق می‌شدند که برای دریافت کارت اهدای عضو ثبت‌نام کنند.»

حسرت جای خالی و خاطرات

باید به احترامشان تمام قد ایستاد، خانواده‌ای که با گرفتن یک تصمیم درست، زندگی‌بخش شدند اما کارشان را خیلی بزرگ نمی‌دانند. مادر می‌گوید: «تام امیرحسین را از عموی شهیدش گرفتیم و او هم به نوعی راه او را ادامه داد. حتی چند وقت پیش برسر مزار عمویش عکس یادگاری گرفته بود.» مادر بغض‌گلویش را می‌گیرد و نرگس صحبت را ادامه می‌دهد: «دوستانم می‌گفتند خوش به حال، چه برادری داری. امیرحسین یک تکه از قلبم بود. همیشه دوست داشتم در بهترین حالت باشد. هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم یک



روز در دنیا نباشد. موقع جشن تولد به او گفتیم اسمال کروناست سال دیگر جشن ۳۰ سالگی را برایت با حضور دوستانت می‌گیریم. گفتم یادت باشد وقتی شمع ۳۰ سالگی را فوت می‌کنی، یک دفعه می‌بینی چقدر بزرگ شدی و نگرشست به دنیا تغییر می‌کند. امیرحسین دوست داشت دهه سوم زندگی را تجربه کند ما سال آینده به پادش جشن تولد می‌گیریم.» او می‌افزاید: «می‌دانیم حال امیرحسین خوب است ولی جای خالی او و خاطراتش برای ما سخت است. او کمک حال من بود. حتی برای زباله جمع‌کن‌های محله غذا و وسایل می‌برد، یادم است یکبار داشت غذا می‌برد و مامان گفت برای چی قاشق‌های من را به اینها می‌دهی، گفت: «یک تکه قلبی که این حرف‌ها را نثارند.» بعد از فوت او هم برخی از لباس‌هایش را به همان افراد اهدا کردیم.»



تشکر ویژه از مدیران شهری

خبر درگذشت امیرحسین اکبری حتی همسایگان را هم شوکه کرده‌است اما در این مدت همه سعی کردند با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به دیدارشان بروند و به نوعی تسلا بازماندگان باشند. مادر می‌گوید: «همه همراهی و همدلی کردند، مراسم را در خانه خواهرم که بزرگ‌تر بود، گرفتیم. دوستانش زنجیرزنی داشتند. همه حتی دامادم همراه و یار بودند و همدلی و همراهی کردند. همسایگان یکی یکی می‌آمدند که قدراندیم.» پدر خانواده هم کلام همسرش را تکمیل می‌کند و با تأکید می‌گوید: «مهندس «هجینی شکری» شهردار منطقه ۱۳ به همراه شهردار ناحیه یک و معاونان و همکاران خیلی سنگ تمام گذاشتند، از همان دقایق اول حمله و پارچه نوشته آوردند و قدردان بودند و همدردی کردند. انشاءالله شاهد شادی‌های تک‌تک‌شان باشیم. حتی به خاطر کاری که کردیم به همسرمر خلعتی هدیه دادند، اینها نشانگر صمیمیت‌شان است و ما قدراندیم.»

غرب	شرق
آزادی ۶۶۸۶۷۹۶۴	افسریه ۳۳۸۰۸۰۶۹
آیت ... کاشانی ۴۴۰۷۴۰۳۳	بلوار پروین ۷۷۲۹۸۴۵۱
بلوار فردوس ۴۴۰۵۱۳۱۷	پیروزی ۳۳۷۹۳۰۲۳
پونک ۴۴۳۳۵۷۲۷	تهرانپارس ۷۷۸۸۸۷۷۷
توحید ۶۶۹۴۰۵۳۸	تهران نو ۷۷۹۰۲۶۴۶
تهرانسر ۴۴۵۶۱۳۳۳	حکیمیه ۷۷۳۰۷۸۳۰
دهکده المپیک ۴۴۱۴۶۶۳۳	خاوران ۳۳۸۳۹۲۰۲
جلال آلی احمد ۸۸۲۶۵۵۵۳	سه راه افسریه ۳۳۸۰۸۸۸۴
جنت آباد ۴۴۶۷۷۷۱۲	رسالت ۲۲۵۳۲۴۴۷
ستارخان ۴۴۲۱۶۶۸۹	فرجام ۷۷۲۰۷۹۳۹
سعادت آباد ۸۸۶۹۶۰۱۰	قبات کوثر ۷۷۳۱۷۱۷۹
شهران ۴۴۳۳۵۹۶۶	مجیدیه ۲۲۵۰۱۸۷۹
شهرک اکباتان ۴۴۶۶۵۹۴۹	میدان امام حسین ۷۷۵۰۰۵۸۳
شهرک غرب ۸۸۳۷۲۹۷۱	نارمک ۷۷۹۴۴۴۴۷
صادقیه ۴۴۰۷۹۰۰۵	نبرد ۳۳۶۹۶۰۶۰
فرزاد ۲۲۰۶۱۸۷۷	نظام آباد ۷۷۸۴۴۰۱۴
فلکه اول شهران ۴۴۳۳۵۹۶۵	نیروی هوایی ۷۷۹۸۰۹۷۰
فلکه دوم صادقیه ۴۴۰۷۹۰۰۶	
میدان المپیک ۴۴۱۴۶۶۳۰	
نواب ۶۶۴۳۰۹۰۳	
هاشمی ۶۶۳۷۹۱۵۱	
دفاتر بازاریابی نیازمند	جنوب
اشرفی اصفهانی ۴۴۰۰۶۵۶۹	امیریه ۵۵۳۷۵۰۴۱
اندیشه ۸۸۵۰۵۰۱۱	خراسان ۳۳۵۲۲۱۸۶
جمازاده ۶۶۴۳۴۰۲۸	خرانه بخارایی ۵۵۰۵۵۰۱۰
جهان آرا ۸۸۰۵۷۳۶۰	دولت آباد ۳۳۷۶۷۵۱۶
چهارراه قصر ۸۸۱۷۷۵۳۶	سه راه آذری ۵۵۷۳۳۳۳۵
چهارراه ولیعصر ۶۶۴۰۰۸۸۳	شوش ۵۵۰۵۰۴۲۴
سهروردی جنوبی ۸۸۹۳۳۰۰۰	شهرری ۵۵۹۵۱۲۶۹
شهر پردن ۵۶۷۹۱۴۷۳	عبدل آباد ۵۵۸۶۳۲۶۲
شهر پردیس ۷۶۳۴۵۶۰۴	کارگر جنوبی ۵۵۶۵۱۰۲۴
رباط کریم ۵۶۴۳۸۴۴۴	مولوی ۵۵۸۱۷۴۰۰۸
کریمخان ۸۸۰۰۶۱۴۲	مهرآباد ۶۶۲۸۷۶۱۹
مرزداران ۴۴۲۷۶۰۹۱	نازی آباد ۵۵۰۷۹۴۰۰
معلم ۸۸۴۵۰۸۰۵	وحدت اسلامی ۵۵۸۱۵۵۰۲
	یافت آباد ۶۶۶۲۱۹۰۱
	بهشت زهرا ۰۹۳۰۱۱۰۱۸۱۹

شبانہ روزی

۱۸۱۹

تلفن پذیرش آگهی

● **مدیر هنری:** کامران مهرزاده
● **صفحه‌آرایی:** محمدرضا محمدی‌تاش/ علی حسینی / میلاد رفاقتی
● **فازنه توکلی**
● **حروفچینی و تصحیح:** منیژه خسروآبادی/ اعظم آجوربندیان

● **دبیر تحریریه:** علی‌الله سلیمی
● **تحریریه:** پروانه بهرام‌نژاد
● **پریس نوری/ سارا جعفرزاده**
● **مژگان مهرابی / فهیمة شیرازی**

● **صاحب امتیاز:** مؤسسه همشهری
● **مدیر مسئول:** نیلوفر قدیری
● **سردبیر:** مهدی علیپور

● **نشانی:** خیابان ولی عصر (عج) نرسیده به پارک وی کوچه تورج پلاک ۱۴ ● **کد پستی:** ۱۹۶۶۵۳۳۸ ● **صندوق پستی:** ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ● **تلفن:** ۲۳۰۲۳۱۰۰ ● **دورنگار:** ۲۳۰۲۳۴۸۸

هویت محله

مژگان مهرابی

نام سلطان فوتبال با محله عارف گره خورده است



«علی پروین» را هر ایرانی می‌شناسد و لقب «سلطان» را برزنده‌اش می‌داند. اما شاید همه ندانند که او بزرگ شده محله عارف است و دوران نوجوانی خود را با بازی فوتبال در زمین خاکی‌های منطقه ۱۴ گذرانده است. پروین متولد سال ۱۳۲۵ است و از ۱۲ سالگی وارد عرصه ورزش و رشته فوتبال شده و به همین دلیل خیلی علاقه به درس خواندن نشان نداده‌است. برای همین بعد از پشت سر گذاشتن دوره ابتدایی، دور مدرسه رفتن را خط کشیده و همه انرژی‌اش را برای فوتبال گذاشته‌است. آنطور که قدیمی‌های محله عارف می‌گویند، پروین در خانواده‌ای متمول بزرگ شده و با این حال پدرش برای اینکه حرفه‌ای بیاموزد او را به دست استاد طلاکار سپرده است، تبحر این نوجوان باعث شده در مدت زمان کوتاهی خبره این کار شود. با این حال پروین قید کار و درس را زده و همه وقتش را برای ورزش گذاشته‌است. او در سن ۱۲ سالگی با بازی‌های درخشانی که انجام داد، عضو تیم عارف شد و در سال ۱۳۴۴ وقتی ۱۹ ساله بود به تیم کیان پیوست و بعد از ۳ سال بازی در سال ۱۳۴۷ به پیکان رفت. در سال ۱۳۴۹ توسط محمد بیانی به تیم ملی دعوت شد و چند هفته بعد با تیم پرسپولیس قرارداد بست و تا سال ۱۳۶۷ به مدت ۱۸ سال بازیکن این تیم بود. پروین تا ۴۱ سالگی در تیم پرسپولیس بازی کرد و در این مدت ۳۴۱ بازی و ۱۵۳ گل را در کارنامه ورزشی خود ثبت کرد. او سال‌هاست از منطقه ۱۴ رفته و در محله دیگری سکونت دارد اما محله غیائی و عارف را دوست دارد و هرازگاهی به محله قدیمی‌اش سر می‌زند و اگر در این حین چشمش به کسی بیفتد که در فوتبال می‌تواند رشد کند حتما حمایتش می‌کند.

خبر کوتاه

مقابله با آفات به روش‌های دوستدار محیط‌زیست

شهرداری منطقه ۱۳ تکیه بر روش‌های دوستدار محیط‌زیست، به مقابله با آفات می‌پردازد. شهردار منطقه ۱۳ در این باره گفت: «از نتایج استفاده از روش‌های سازگار با محیط‌زیست و کاربرد سموم گیاهی و بی‌خطر، کاهش چشمگیر استفاده از سموم شیمیایی، حفظ سلامت پایدار محیط‌زیست و افزایش جمعیت حشرات مفید از جمله کشف دوزک‌ها و بالتوری‌ها، در منطقه است.»

«مجتبی شکری» با بیان اینکه، هر سال با فرا رسیدن فصل بهار و گرم شدن هوا، فعالیت حشرات در محیط‌زیست آغاز و برخی از آنها به درخت و درختچه‌ها خسارت می‌زنند، افزود: «این حشرات آفات فضای سبز هستند که نیاز به کنترل و مبارزه دارند، از این رو تمهیداتی از سوی اداره فضای سبز منطقه برای مقابله با این آفات اتخاذ شده‌است.»

او ادامه داد: «شته‌ها از جمله این آفات هستند که با افزایش رطوبت هوا فعالیتشان تشدید می‌شود و تا زمان گرم‌تر شدن هوا و کاهش رطوبت ادامه می‌یابد که برای مقابله با آفاتی از جمله شته رز، اقاکیا و پسیل زیتون ضمن پایش‌های مستمر درختان توسط کارشناسان مرکز تام در نواحی، اقدامات کنترلی از قبیل شست‌وشو با صابون حشره‌کش گیاهی پالیزین و روغن ولک در منطقه صورت می‌گیرد.»

خبر خطی

منطقه ۴ مرکز نیکوکاری مسجد الکوتر محله تهرانپارس پویش نذر رهایی برای آزادی زندانیان جرائم غیرعمد برگزار می‌کند. شهروندان برای پیوستن به این پویش یا کسب اطلاع بیشتر می‌توانند با ۷۷۳۷۱۲۹۲ تماس بگیرند.

منطقه ۸ بسته‌های بهداشتی شامل ماسک، مواد ضدعفونی‌کننده توسط شهرداران مدارس میان کودکان کار توزیع شد. این طرح با هدف انجام کار خیر، آموزش و اطلاع‌رسانی این افراد درباره شرایط کنونی انجام شد.

منطقه ۱۳ کمیته هماهنگی انتخابات منطقه ۱۳ با هدف هماهنگی برای برگزاری بهتر انتخابات با تأکید بر اجرای صحیح و مناسب انتخابات با توجه به وضعیت بیماری کرونا و رعایت پروتکل‌های بهداشتی و راهکارهای احتمالی برگزار شد. در این جلسه ۱۵۴ شعبه اخذ رأی در منطقه ۱۳ برای انتخابات ۱۴۰۰ پیش‌بینی شد.

منطقه ۱۴ شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی محور شهید خضایی در محله دلگشا ساماندهی شد. این کانال پیش از این به دلیل تجمع آب الوده باعث تجمع جانوران مودی و انتشار بوی بد شده بود و نارضایتی شهروندان را به همراه داشت.

منطقه ۱۵ مانور «موتورسوار خوب» در شهرک مسعودیه برگزار شد. در این مانور اقداماتی از جمله استقرار ایستگاه آموزشی، پخش کلیپ‌های آموزشی و اهدای هدیه به موتورسواران قانونمند انجام شد.

الو محله

دردسر ضایعاتی‌ها

منطقه ۴ برخی مغازه‌های ضایعاتی محله گلشن غیرمجازند و فعالیت‌های غیرقانونی از خرید اموال سرقتی و... در آنها انجام می‌شود. علاوه بر این عده‌ای هر شب تا دیر وقت در این مغازه‌ها جمع می‌شوند و سرودها و دعوایشان مزاحم اهالی است.

مجید کرمی- ساکن خیابان وفادار

پاسخ مسئول پرونده اصناف متخلف جمع‌آوری ضایعات به مراکز قضایی ارسال شده و در صورت تأیید تخلف با کمک کلاتری و یگان حفاظت پلمب می‌شوند.

محمد شریقی
شهردار ناحیه ۶ منطقه ۴

تعطیلی غرفه‌های بازیافت

منطقه ۸ برخی از غرفه‌های بازیافت محله ۸ در هفته‌های اخیر تعطیل بودند و فعالیت نداشتند و شهروندان برای تحویل پسماند خود با مشکل مواجه بودند.

سمیه منتظری- ساکن محله درشت

پاسخ مسئول در شرایط قرنطینه برخی از غرفه‌های بازیافت فعال نبودند اما در حال حاضر شهروندان می‌توانند از خدمات غرفه‌های بازیافت استفاده کنند و پسماند خود را تحویل دهند.

ناصر رضایپور، معاون خدمات شهری
و محیط‌زیست شهردار منطقه ۸

سد معبر در پیاده‌راه

منطقه ۱۳ بخشی از پیاده‌راه خیابان اول نیروی هوایی به دلیل وجود نخاله مسدود و تردد برای عابران دشوار شده‌است. لطفاً رسیدگی کنید.

پریا یونسی- ساکن خیابان نیروی هوایی

پاسخ مسئول با نصب نخاله‌گیر و آردسازی پیاده‌راه در خیابان اول نیروی هوایی فرعی ۲۳/۱ این مشکل رفع شد.

حسین معصومی، رئیس اداره شهرسازی شهرداری ناحیه ۲ منطقه ۱۳

وسایل بازی فرسوده

منطقه ۱۳ اغلب وسایل بازی کودکان در بوستان گلگشت بلوار ابوذر، شکسته و وضعیت خوبی ندارد. این وسایل می‌تواند برای کودکان حادثه آفرین باشد. خواهشمندیم به این موضوع رسیدگی کنید.

شیرین دالوند- ساکن خیابان نبرد

پاسخ مسئول موضوع عنوان شده مربوط به شهرداری منطقه ۱۵ است و این اقدام باید از سوی مدیریت شهری این منطقه پیگیری شود.

محمدحسن فصیح، معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهردار منطقه ۱۴

کتاب هفته

کتاب پیشنهادی برای مطالعه در پایان هفته بوی آتش، طعم دود



کتاب پیشنهادی برای مطالعه در پایان این هفته، رمان «بوی آتش، طعم دود» نوشته مونیکا شاهیان است که سرگذشت دختر جوان و جنگ‌زده‌ای در دوران دفاع مقدس در شهر تهران را روایت می‌کند که با دغدغه‌ها و مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. قصه رمان بوی آتش، طعم دود از روزهای آغازین جنگ تحمیلی در شهر خرمشهر شروع می‌شود که شخصیت اصلی داستان، «مریم» اعضای خانواده خود را بر اثر حملات نیروهای دشمن از دست می‌دهد و به ناچار شهر را ترک می‌کند. او در این سفر تعدادی از بچه‌های جنگ‌زده را همراه خود دارد که آنها هم والدین خود را از دست داده‌اند. مریم ابتدا به اهواز و سرانجام به تهران منتقل می‌شود؛ شهری که بسیاری از ویژگی‌هایش با شهری که شخصیت اصلی داستان پیش از جنگ در آن زندگی می‌کرده یعنی خرمشهر متفاوت است و مریم برای گذران زندگی در این شهر به ناچار باید در موقعیت تازه‌ای قرار گیرد. او که با دست خالی به نوعی سرپرستی ۵ بچه جنگ‌زده را هم به عهده گرفته باید برای تأمین هزینه‌های زندگی خود و بچه‌ها دست به کار شود، اما در تهران دهه شصت و سال‌های جنگ، کار مناسب برای یک دختر جنگ‌زده به راحتی پیدا نمی‌شود. با این حال، مریم تلاش خودش را می‌کند و تا حدودی هم موفق می‌شود. داستان با ورود مرد جوانی به نام مهندس شریف که از آشنایان پدر مریم است و در اهواز کلید خانه‌ای در تهران را در اختیار این دختر جنگ‌زده قرار داده است، وارد مرحله تازه‌ای می‌شود که ریشه در خاطرات گذشته در خرمشهر دارد و دختر عبدالرحمن (مریم) را سر یک دوراهی بزرگ قرار می‌دهد و ماجراهای خواندنی را رقم می‌زند. چاپ اول (۱۳۹۹) کتاب «بوی آتش، طعم دود» در ۳۶۷ صفحه و شمارگان ۵۰۰ نسخه توسط مؤسسه فرهنگی و هنری درچه در تهران منتشر شده است.